الزامات تمدن نوين اسلامي

الزامات تمدن نوين اسلامي

رضا رستمي زاده[1]

چكيده:

مهمترين دغدغه خاطر پيروان دلسوز دين اسلام در هر زمان، دفاع از باورهاي ديني و حمايت از اصول و فروع دين اسلام در زبان و عمل است. هر اندازه اين پيروان با هم فكري و با تكيه به قرآن و منابع اصيل اسلامي هم فكر و هم پيمان شوند، حرمت دين اسلام در عين سرافرازي حفظ مي گردد و در صورت ثبات و دوام مستمر آن، نقاط ضعف گذشتگان اصلاح مي گردد و به شكل گيري تمدن نوين اسلامي مي انجامد[2].

از اين الزامات مي توان اصل عدل و دادگري، احسان و نيكوكاري و تقدم مصالح معنوي بر منافع مادي را نام برد. اين اصول در جامعه اي كه افرادش يكدل و يک زبان براي رسيدن به امنيت اقتصادي، عاطفي و معنوي مي كوشند معنا و مفهوم متعالي پيدا مي كند.

كليدواژه ها: تمدن نوين اسلامي، الزامات، عدل، امنيت، اقتصادي، معنوي.

1- مقدمه

با نگاهي گذرا به آموزه هاي ديني مي توان دريافت كه اسلام تاكيد بسيار بر ترويج ارزش هاي فرازيستي دارد و به اين وسيله به بسترسازي در جهت ايجاد روحيه اجتماعي سالم پرداخته است و جلوه هاي كمال آن تمدن اسلامي نام مي گيرد و امروزه نياز به احياء دارد كه مي توان از آن به تمدن نوين اسلامي ياد كرد.

در تمدن نوين اسلامي نگرش شخصي و رفتاري آدمي همه حكايت از احساس مسئوليت وي در برابر اوضاع اجتماعي مي كند. در چنين فضايي هر يک از مسلمانان درصدد برمي آيند ضمن شناخت اوضاع اجتماعي و با روحيه تاثير گذاشتن بر عوامل گوناگون اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي –كه وضع موجود را پديد آورده اند- به بهسازي اوضاع بپردازند و سرافرازي و سربلندي مسلمانان و اسلام را در همه جهان به ظهور رسانند. در اين راستا مواردي همچون سودرساني به ديگران، نيكوكاري، ايثار و فداكاري، حمايت از مستضعفان و يتيمان و بسياري از اين دست ويژگي ها عامل پيوند افراد جامعه با يكديگر مي شود كه مي توان از آنها به عنوان الزامات تمدن نوين اسلامي نيز ياد كرد و اصالت اين موضوعات در آن است كه توسط خدا و رسول خدا (صلي ا عليه و آله) بيان شده است.[3]

بنابراين اساس تمدن نوين اسلامي ايجاد پيوند مستحكم و سالم و مستمر با تكيه با اين الزامات ميان افراد است و ارزش عيني اين خصائص آ است كه بدين وسيله نيازهاي مادي و معنوي همه افراد در جامعه بهتر تامين مي گردد و از اين طريق وحدت و الفت ميان آحاد جامعه برقرار مي گردد. با اين رويكرد اين مقاله در دو بخش تنظيم گرديده است، در بخش اول به ويژگي هاي تمدن نوين اسلامي اشاره مي گردد و در بخش دوم به نشانه هاي جامعه سالم در تمدن نوين اسلامي مي پردازد.

جان كلام آنكه تمدن نوين اسلامي در پي آن است كه انسان ها براساس تامين مصالح مادي و معنوي خويش با هم متحد گردند و جامعه واحد و امت واحد را در اوج امنيت تشكيل دهند.

2- اصول تمدن نوين اسلامي

احياي تمدن اسلامي در گرو زندگي اجتماعي سالم و رفتار مناسب افراد با يكديگر است و براي آن بايد

اصول و ويژگي هايي در نظر گرفت تا تمدن نوين اسلامي در مسير صحيح شكل گيرد. در اينجا به مهمترين اين اصول اشاره مي شود:

2-1- توجه به اصل عدل و دادگري

زماني كه زندگي اجتماعي در راستاي تامين نيازهاي مادي و معنوي تمام افراد باشد، همگان به منافع مادي و مصالح معنوي خود مي رسند البته به شرطي كه رفتار همه افراد در جامعه در جهت تحقق اين امر باشد. از اين رو رفتار اجتماعي هر يک از افراد در صورتي درست و ارزشمند است كه به تحقق مصالح كلي جامعه منجر شود؛ و اگر براي آنكه فرد يا افرادي به منافع خود برسند عده اي ديگر از مزاياي زندگي سالم محروم گردند مسلما در چنين وضعي طبقه محروم هيچ انگيزه اي براي مشاركت ندارند. چون آشكارا مي بينند زحمات آنان نتيجه اي براي خودشان ندارد؛ لذا نخستين اصل كه بايد به عنوان ملاک مناسب در زندگي اجتماعي و شكل گيري تمدن نوين اسلامي مدنظر قرار گيرد اصل عدل است. خداوند در قرآن مجيد در چندين مورد فرمان به عدل مي دهد: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى» «عدالت كنيد كه آن به پرهيزگاری نزديكتر است» (مائده/ 8) ، «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» «همانا خدای به داد فرمان مىدهد». (نحل/ 90)

در معناي ساده اي كه از عدل قرار دادن هر چيز در جاي خودش آمده است. (حق پرست، 1386ش، ص 161) عقل چنين حكم مي كند كه تمدن نوين اسلامي هر فرد به اندازه اي كه در زندگي اجتماعي و تحصيل منافع براي جامعه اثرگذار است از نتايج فردي اجتماعي آن بهره مند شود.

البته بايد توجه داشت كه چون آدمي خود به تنهايي قادر به تامين همه منافع خويشتن نيست، بنابراين نسبت به كاري كه براي جامعه انجام مي دهد جا دارد از روي عدل معادل همان كار خود را از جامعه دريافت كند ولي اين امر در جامعه امروزي چندان رعايت نمي گردد و شايد هم امكان پذير نباشد. در تمدن نوين اسلامي هرچند كه بايد برنامه ريزي و دقت براي تحقق اين امر صورت گيرد اما تحقق آن كار بسيار سنگين و بعيد مي نمايد، چراكه دستاوردهاي زندگي اجتماعي حاصل جمع عددي فعاليت هاي افراد نيست و به واقع منافعي كه نصيب جامعه مي شود به شكل تصاعدي افزايش مي يابد از اين رو روا نيست كه هر فرد تنها به اندازه نيرويي كه مصرف مي كند از مزاياي اجتماعي بهره مند شود بلكه بايد مجموع منافع به نسبت فعاليت هاي اعضاي جامعه ميان آنان تقسيم گردد و اين همان مفهوم بيت المال است كه در آغاز شكل گيري جامعه اسلامي مطرح شد و از نظر اسلام اصل عدالت اجتماعي هم كه از الزامات اصلي تمدن اسلامي به حساب مي آيد، با بيت المال گره خورده است كه در جاي خود انديشمندان به آن پرداخته

اند (ناطقي، 1381ش، ص128) و در اين مجال از پرداختن به آن صرف نظر مي شود.

2-2- توجه به اصل احسان

احسان به نفع و مصلحتي گفته مي شود كه به كسي كه در ظاهر مستحق آن نيست عطا مي شود و در صورت ترک آن حقي از او ضايع نمي گردد بلكه تنها نفعي از او سلب مي گردد. اما از آنجا كه در هر جامعه به طور طبيعي افرادي يافت مي شوند كه داراي شرايط استثنايي بوده و بنا به مشكلات جسمي و روحي تنها با كار خود قادر به تامين نيازهاي زندگي خويش نيستند (مصباح يزدي، 1376ش، ج3 ، ص33) اينجاست كه اصل احسان كاربرد پيدا مي كند. احسان نشانه همكاري اجتماعي پاک و سالم براي رفع مشكلات اينگونه افراد است. طبيعي است كه برخي از افراد جامعه به واسطه جسم سالم و توانا و ضريب هوشي بالا به بهره مندي بيشتري از امكانات و منابع طبيعي و خدادادي دست پيدا مي كنند و برخي افراد هم به واسطه ناتواني و معلوليت مادرزادي و يا آسيب ديده از حوادث طبيعي بهره كمتري خواهند داشت و اگر بنا باشد تمدن تنها براساس توجه به اصل عدل معنا پيدا كند و اگر اين امر تعيين كننده روابط اجتماعي باشد نتيجه اين خواهد بود كه ناتوانان و معلولان و آسيب ديدگان از تامين نيازمندي هاي مادي و معنوي خود محروم بمانند و اين مناسب با روح تمدن اسلامي و ايجاد همبستگي و وحدت ميان آحاد جامعه اسلامي نيست لذا اصل عدل هرچند اصل مهمي است اما به تنهايي نمي تواند معيار ارزش گذاري در شكل گيري تمدن نوين اسلامي باشد. به همين خاطر اصل احسان براي جبران كمبود و نيازهاي افرادي است كه قادر به كار آن چناني نيست و افراد توانمند به ايشان رسيدگي مي كنند و اينجاست كه خداوند متعال مي فرمايد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ و الإحسانِ» «همانا خدای به داد و نيكوكاری فرمان مدهد». (نحل/ 90)

براساس مرام قرآن براي شكل گيري تمدن نوين اسلامي، توجه به التزام عدل و احسان با هم مدنظر است و نكته مهم اين است توجه به اصل احسان به تنهايي نيز در تمدن نوين اسلامي حافظ ارزش هاي دين اسلام نخواهد بود زيرا «اگر براساس زندگي اجتماعي تنها بر احسان باشد انگيزه فعاليت و مشاركت در زندگي اجتماعي براي رسيدن به تمدن پايدار و پاک و سالم تضعيف مي گردد و گاه باعث مي شود كه برخي زندگي را فقط با تن آسائي و راحت طلبي بگذرانند و از دستاوردهاي فعاليت هاي ديگران بهره ببرند و اين باعث به هم ريختگي نظام اجتماعي و تزلزل تمدن اسلامي مي شود». (نور محمدي، 1390ش، ص44)

امام خميني (ره) در اين باره مي گويد: كساني كه توانايي كار كردن دارند و به خاطر تنبلي و كم كاري دچار فقر شده اند نمي توانند زكات بگيرند و نبايد به آنان زكات داده شود. (امام خميني،

1410ق، ج1 ، ص338)

البته ناگفته نماند كه احسان به خودي خود و في نفسه مطلوب است و آثار مفيدي را در پي دارد از جمله:

الف: ترويج و رشد مهر و محبت ميان احسان كنندگان و دريافت كنندگان. امام سجاد (عليه السلام) در رساله حقوق خويش مي فرمايد: حق احسان كننده اين است كه در مقابل احساني كه كرده از او تشكر نمايي و احسانش را به زبان آوري و او را به نيكي ياد كني و خالصانه در حق او دعا كني تا در نهان و عيان از او قدرداني كرده باشي و بر خود چنين قرار دهي كه هر وقت توانايي پيدا كردي احسان او را جبران كني. (صدوق، 1414ق، ج 13، ص 622، ح3217 ؛ شعيري، 1414ق، ج3، ص714)

همانطور كه مشاهده مي شود امام سجاد (عليه السلام) از احسان به نيكي ياد مي كند اما در عين حال بر اين مساله تاكيد دارد كه دريافت كننده احسان در نيت و عمل در جهت جبران احسان برآيد.

ب: احسان كننده به واسطه احساني كه مي كند از انواع خطرها و بلاياي طبيعي، شيطاني و تنگ نظري هاي ويران كننده در امان مي ماند و خدا او را حمايت مي كند و حتي بنا به وعده هاي الهي سرمايه اش در دنيا و آخرت چند برابر مي گردد.

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ يُضاعِفُ لِمَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِيمٌ. الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لا يُتْبِعُونَ ما أَنْفَقُوا مَنًّا وَ لا أَذىً لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُون» «مثل آنان كه مالشان را در راه خدا انفاق مي كنند چون دانه‌اي است كه هفت خوشه رويانيده كه در هر خوشه صد دانه است و خدا براى هر كه بخواهد دو برابر مي كند كه خدا وسعت بخش و دانا است. كسانى كه اموال خويش را در راه خدا انفاق مي كنند و سپس آنچه را كه انفاق كرده‌اند به منت و آزار دنبال نمي كنند پاداش آنها پيش پروردگارشان است و آنان نه بيمى دارند و نه غمگين مي شوند». (بقره/ 261 و 262)

2-3- توجه به اصل تقدم مصالح معنوي بر منافع مادي

آنگاه كه تامين نيازهاي مادي با رعايت مصالح معنوي در تعارض قرار مي گيرد اساس تمدن اسلامي با تكيه بر فطرت و پاكي بر طبق حق آن است كه مصالح معنوي بر منافع مادي مقدم گردد زيرا در نگاه دين اسلام هدف وسيله را توجيه نمي كند. پس اگر در جامعه اي همه نيروهاي مردم صرف پيشرفت مادي شود به طوري كه از توجه به حفظ و رشد معنويات غافل شوند، آن زندگي اجتماعي سالم كه قابل قبول فطرت باشد حاصل نمي شود. پس از الزامات تمدن نوين اسلامي اين است كه منافع مادي بايد در مسير رشد معنويات انساني باشد و در زندگي اجتماعي روابط افراد بر اساس اين ملاك تنظيم گردد. فرق جامعه و تمدن اسلامي با غير آن در همين است كه غير مسلمانان و كافران دست به هر اقدامي مي زنند تا مومنان و مسلمانان را تحت تسلط خود قرار دهند و در اين راه هيچ مرزي براي خود و ديگران قائل نيستند در قرآن آيات فراواني مومنان و مسلمانان را از دوستي با كافران بر حذر مي دارد[4] و در روايات و احاديث بسياري نيز آمده است كه با مفسدان اخلاقي معاشرت نكنيد چراكه همنشيني با آنان بر مصالح معنوي آدمي اثر منفي مي گذارد تا آن حد كه زيان غير قابل جبران را موجب مي شود.[5]

در مجموع بايد گفت با توجه به اين سه اصل، ارتباط افراد جامعه با يكديگر و پيوند زندگي آنان به يكسان و در يک سطح قرار نمي گيرد بلكه وضع حال مردم و به تبع آن شكل گيري تمدن فراز و نشيب پيدا مي كند و شدت و ضعف ها و تفاوت هايي در اقشار مختلف جامعه پيدا مي شود و باعث مي گردد كه حقوق و تكاليف اجتماعي تازه و نوعي تقسيم وظيفه ميان افراد پيدا شود و اين امر بايد به گونه اي اداره شود كه شالوده تمدن اسلامي حفظ گردد. در تمدن نوين اسلامي تكليف فرد در برابر يكايک افراد جامعه كاملا يكسان نيست بلكه به تناسب ارتباط -همچون دوستي، همنوعي و خويشاوندي- تفاوت مي يابد. همچنين حقوقي كه افراد نسبت به يكديگر دارند تحت تاثير اين عوامل داراي درجات مختلف و كيفيت هاي گوناگون خواهد بود.

پس در واقع بايد پذيرفت كه به كارگيري اصول و معيارهاي سه گانه در شكل گيري تمدن اسلامي براساس تفاوت در ارتباط اجتماعي افراد فراز و نشيب پيدا مي كند و از اين رو در روابط افراد با يكديگر اولويت بندي صورت مي گيرد و ترتيب اهميت در آنها لحاظ مي شود و موید اين امر كلام خداست آنجا كه مي فرمايد: «وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى بِبَعْضٍ فِي كِتابِ اللَّهِ» «و در كتاب خدا خويشاوندان، بعضي شان بر بعضي ديگر اولويت دارند». (انفال/ 75)

از همين روست كه در اسلام حقوق افراد در بخش هاي مختلف همانند خويشان، همسايگان، همنوعان و ... مطرح شده است.

3- ويژگي ها و نشانه هاي جامعه سالم در تمدن نوين اسلامي

با توجه به مزاياي تمدن اسلامي و اينكه مسير سعادت آدمي از پيروي دين اسلام مي گذرد انتظار مي رود كه جامعه سالم و مطلوب هم تنها در سايه تمدن نوين اسلامي نمايان گردد، پس بررسي ويژگي هاي جامعه صالح از الزامات تمدن نوين اسلامي به حساب مي آيد. چه بسيار جوامعي كه به ظاهر زندگي اجتماعي در آنها جريان دارد ولي افراد تنها در كنار هم نفس مي كشند بي آنكه بتوانند بسترساز رشد انسانيت و عواطف و معنويت باشند و تنها زندگي زيستي را تجربه مي كنند (موسوي لاري، 1385ش، ص86) اما آنگاه كه نظام اجتماعي منطبق با اصول نظام آفرينش و تعاليم اسلامي و الهي باشد روابط انساني سالم براساس معيارهاي صحيح و الهي استوار مي گردد و اين چنين تمدن نوين اسلامي معنا پيدا مي كند. با نگاهي اجمالي به آموزه هاي قرآني و ديني مي توان نشانه هاي جامعه سالم را در موارد زير خلاصه كرد:

3-1- تضمين امنيت جاني

نخستين و مهمترين اصلي كه افراد جامعه در برابر آن مسئولند و همه بايد براي آن بكوشند حفظ جان يكديگر است و اسلام نيز بر اين موضوع تاكيد كرده است و تعرض به جان افراد و آسيب رساني به يكديگر و قتل را گناه كبيره و نابخشودني برمي شمرد و كشتن يک نفر را برابر با قتل تمام مردم مي داند: «مِنْ أَجْلِ ذلِكَ كَتَبْنا عَلى بَنِي إِسْرائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْساً بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّما قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعاً وَ مَنْ أَحْياها فَكَأَنَّما أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً» «مقرر داشتيم كه هر كس شخصي را به جز قصاص قتل يا به كيفر فساد در زمين بكشد پس گويا همه مردم را كشته است و هر كس شخصي را زنده بدارد پس گويا همه مردم را زنده داشته است». (مائده/32)

پس تحقق «حفظ حيات انساني» از الزامات تمدن نوين اسلامي است و اسلام براي اين امر راهكارهاي مناسبي ارائه مي دهد از جمله:

الف: وضع قوانين مناسب مانند قصاص و ديه براي جلوگيري از هرج و مرج و قتل و كشتار. (بقره/ 179)

ب: ضرورت دفاع از جان يكديگر. (ر.ک. احمدي، 1383ش، ص78)

ج: لزوم پرهيز از فراهم سازي زمينه آسيب به جان يكديگر مانند كلام آسيب زا، گواهي نادرست و كتمان

گواهي: «وَ لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» «خود را به دست خويش به هلاكت ميفكنيد». (بقره/195)

د: ضرورت نجات جان يكديگر به هنگام خطر: «وَ يُؤْثِرُونَ عَلى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ» «و آنان را بر خويشتن برمگزينند هر چند كه خود بدان نيازمند باشند». (حشر/ 9)

هـ: جلوگيري از پايمال شدن حق و حقوق و خون ديگران: «أَنْ تُصِيبُوا قَوْماً بِجَهالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلى ما فَعَلْتُمْ نادِمِينَ» «مبادا نادانسته به مردمی آسيب رسانيد، و آنگاه بر آنچه كرديد پشيمان گرديد». (حجرات/6)

يكي از سوره هايي كه در مجموع به موارد شفاف تر از ديگر آيات اشاره كرده سوره حجرات است كه طي 18 آيه نزديک 50 حكم اخلاقي و اجتماعي را براي دفع آسيب هاي اجتماعي و تضمين امنيت جاني و شكل گيري جامعه سالم ارائه داده است. (بابازاده، 1381ش، ص90)

3-2- تضمين امنيت اقتصادي

منظور از امنيت اقتصادي آن است كه افراد جامعه از رفاه نسبي برخوردار بوده و سرمايه هايشان مورد دستبرد اشخاص حقيقي و حقوقي قرار نگيرد پس بايد حدود آزادي و فعاليت اقتصادي افراد در جامعه سالم روشن گردد تا از هرگونه زيان مالي به آنان جلوگيري شود و چون روابط اجتماعي به طور طبيعي به تضاد منافع افراد در جامعه مي انجامد بنابراين هرگونه اضطراب و نگراني از جهت عدم تامين امنيت مالي و اقتصادي زيرساخت هاي جامعه سالم را به خطر مي اندازد.

دين اسلام داراي نظام جامع اقتصادي است و معيارهايي در اين نظام تعيين گشته است كه كليه فعاليت هاي اقتصادي بايد در چارچوب آن معيارها انجام پذيرد و از اين طريق منافع تمام انسان ها تامين شده و از ظلم و نابرابري ها جلوگيري مي شود مثلا براي ايجاد رفاه نسبي معيارهاي زير مدنظر اسلام است:

الف: ايجاد روحيه مشاركت عمومي در تامين زندگي نيازمندان و لزوم توجه به نياز ديگران. حضرت علي (عليه السلام) در وصيت خود مي فرمايد: «خدا را خدا را در مورد افراد فقير و تهيدست به ياد داشته باشيد و آنان را در زندگي خود شريک سازيد». (كليني، 1365ش، ج 7، ص 5، ح7)

ب: كمک مالي به نزديکان نيازمند و تشويق آنان. قرآن کريم مسلمانان مورد عتاب قرار مي دهد که چرا نسبت به نيازمندان گام برنمي داريد و بر اطعام مساکين يکديگر را تشويق نمي کنيد: «کَ ّ َلا بَلْ لا تُکْرِمُونَ الْيَتِيم وَ لا تَحَاضّ ُونَ عَلى طَعامِ الْمِسْکِين» «نه چنان است- نه آن کرامت است و نه اين اهانت-، بلکه يتيم را گرامی نمیداريد- او را از ارثش محروم میکنيد و مالش را میخوريد- و يکديگر را بر طعامدادن بينوا برنمیانگيزيد». (فجر/ 17 و 18)

ج: بکارگيري روش هاي مناسب براي تامين نيازمندان. (سيد رضي، 1386ش، حکمت 319)

د: اجرايي شدن حکم هاي اقتصادي اسلامي همچون خمس، زکات، زکات فطريه، کفارات، صدقه، حق مظلوم و قرض الحسنه. درباره تحقق اين احکام در کتب فقهي با تکيه بر سخن معصومان (عليهم السلام) به طور مفصل به آن پرداخته شده است.[6]

ه: واگذاري ثروت هاي اضافي شخص به ديگران در قالب هبه، نذر، وقف و تحت پوشش قرار دادن طبقات پايين جامعه و تامين زندگي آنان از بيت المال. حضرت علي (عليه السلام) در نامه 53 به مالک اشتر سفارش مي کند: «خدا را خدا را در مورد طبقه پايين، آنان که راه چاره اي ندارند، يعني تهيدستان و نيازمندان و مستمندان و از کار افتادگان، آنان را در نظر داشته باش. در اين طبقه هم افرادي هستند که روحيه طلب و درخواست دارند و هم افرادي هستند که طلبي نمي کنند و بايد بدون آنکه درخواستي کنند به آنان عنايت و بخشش شود. لذا بر اساس آنچه خدا به تو فرمان داده عمل نما و از بيت المال و غلات زمين هاي اسلامي در هر محل به آنان عطا کن. (سيد رضي، 1386ش ، نامه 53)

اين موارد پنجگانه نبايد به گونه اي تحقق يابد که از رونق اقتصادي در جامعه اسلامي کاسته شود به همين دليل در اسلام براي رونق اقتصادي تدابير ارزشمندي در نظر گرفته است و براي شکل گيري تمدن نوين اسلامي و تجلي جامعه سالم شايسته است که به اين موارد توجه کامل شود:

الف: تشويق افراد به اشتغال و پرهيز از بيکاري، پيامبر خدا (صلي ا عليه و آله) فرمود: «از رحمت خدا به دور است آن کس که بار زندگي خودش را بر دوش ديگران مي گذارد. (کليني، 1365ش، ج 4، ص12، ح9)

ب: به رسميت شناختن حق مالکيت خصوصي افراد در عين ضرورت عدم تعرض به اموال ديگران و پرهيز از خيانت در اموال. البته اسلام براي مالکيت افراد شرايطي را در نظر گرفته است مثلا دستيابي به سرمايه

بايد از راه هاي صحيح و حلال صورت گيرد نه از راه باطل. در قرآن كريم آمده است: «وَ لا تَأْكُلُوا أَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ» «و اموال يكديگر را از راه باطل نخوريد» (بقره/ 188) و يا اينكه هر نوع فعاليت اقتصادي نبايد سبب ضرر ديگران شود «لا ضرر و لا ضرار في الاسلام».

آري در جامعه سالم ديني هر انساني حق دارد كار و كسب مشروع داشته باشد و از حق مالكيت خصوصي برخوردار باشد در عين اينكه فعاليت هاي اقتصادي افراد نبايد موجب از بين رفتن حق ديگران يا ترويج و استقرار امر باطلي گردد. پيامبر گرامي اسلام مي فرمايد: «مال مسلمان همچون خون او محترم است». (حرعاملي، 1409ق، ج12، ص 280، ح 16308) و آن حضرت (صلي ا عليه و آله) در جاي ديگري مي فرمايد: «خيانت به مال ديگران فقر را به دنبال مي آورد». (كليني، 1365ش، ج5، ص 133، ح 7)

در دين اسلام مال به دست آمده از خيانت در اموال، حكم مالي را دارد كه از طريق دزدي به دست آمده است و معامله و خريد و فروش آن جايز نيست و فردي كه از روي ظلم به مال و يا حق ديگري مسلط شود به او غاصب مي گويند.

ج: ممنوعيت از زراندوزي و افزون خواهي و اسراف و تبذير؛ در قرآن علاوه بر اينكه افزون خواهي در اموال نكوهيده شده است[7] به عواقب دردناک اخروي فزون خواهي و زراندوزي نيز هشدار داده شده است[8] و به همين خاطر در توصيف نمازگزاران واقعي و مومنان صالح مي فرمايد: «وَ فِي أَمْوالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُوم» «در مالهاشان برای خواهنده نيازمند و تنگروزی بیبهره حقی بود». (ذاريات/ 19)

و در سوره اي ديگر آمده است: «وَ الَّذِينَ فِي أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ. لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُوم» «و آنان كه در مال هاشان حقی است معلوم- مانند زكات و صدقات- برای نيازمند خواهنده و بينوای درمانده». (معارج/ 24 و 25)

حضرت علي (عليه السلام) در وصيت خود مي فرمايد: «خدا را خدا را در مورد افراد فقير و تهيدست به ياد داشته باشيد و آنان را در زندگي خودتان شريک سازيد». (كليني، 1365ش، ج7، ص5، ح7)

با دوري از فزون خواهي و زراندوزي جلوي اسراف يعني زياده روي در مصرف به گونه اي كه خارج از متعارف باشد، گرفته مي شود و از تبذير و ريخت و پاش و بيهوده و نابجا مصرف كردن دارايي جلوگيري مي شود.[9]

د: تحريم ربا، قمار، رشوه و احتكار و ممنوعيت از شيوه هاي كاذب و درآمدزا. آنچه در دين اسلام بر آن بسيار تاكيد شده همين پرهيز از حرام خواري، تقلّب و كلاهبرداري است. كم فروشي و خوردن مال يتيم از يک طرف و تبعيض از بهره برداري از منابع طبيعي و عمومي از طرف ديگر موجب خسارت هاي عظيم و حتي غيرقابل جبران مي گردد. به همين دليل در جامعه سالم بايد مجازات هاي حقوقي قاطع براي متجاوزان به اموال ديگران در عين جبران خساراتِ افراد آسيب رسان در نظر گرفته شود و نظارت صحيح و سالم در داد و ستدها وجود داشته باشد و منابع طبيعي به نفع عموم مردم در اختيار دادگران قرار گيرد.

3-3- تضمين امنيت عاطفي

روابط عاطفي در پيوستگي اعضاي جامعه نقش بسزايي دارد؛ در اسلام رفتارهايي مانند سخن چيني، اختلاف افكني كه روابط عاطفي را تيره و تار مي كند از مفاسد اجتماعي است چراكه بذر اختلاف را در ميان آحاد جامعه مي پاشد و افراد را بر ضد يكديگر برمي انگيزد به همين خاطر در جامعه سالم هر رفتاري كه موجب محبت و دوستي ميان افراد گردد و زمينه رشد و بالندگي روابط عاطفي را فراهم سازد در اسلام تشويق شده است.

پيامبر اسلام (صلي ا عليه و آله) در اين باره مي فرمايد: بنده اي كه خداوند متعال رحم و مهرباني نسبت به مردم را در دل او قرار نداده ناكام و زيانكار است. (پاينده، بي تا، ح 1434)

امام علي (عليه السلام) نيز مي فرمايد: مومن كسي است كه هم با ديگران انس مي گيرد و هم ديگران به او گرايش و الفت دارند آن كس چنين نباشد خيري در او نيست. (كليني، 1365ش، ج2 ، ص 102 ، ح 17)

تحقق اهداف در اسلام و شكل گيري تمدن نوين اسلامي در گرو جامعه اي سالم و باصفاست. جامعه اي كه روابط اعضاي آن با هم دوستانه و صميمي است و انس و الفت آنان باعث نزديكي و سرعت بخشي و تحقق بهتر اهداف زندگي اجتماعي مي شود.

رسول خدا (صلي ا عليه و آله) مي فرمايد: مهرباني و محبت ورزي به مردم نيمي از خردورزي است. (كليني، 1365ش، ج2 ، ص634)

امام باقر (عليه السلام) مي فرمايد: نسبت به مردم محبت بورز تا آنان نيز نسبت به تو محبت بورزند و هرگاه يكي از برادرانت را دوست داري آن را به وي اعلام كن و هرگاه هرگاه فردي را دوست داري آن را

به اطلاع وي برسان زيرا اين كار دوستي و محبت ميان شما دو نفر را پايدارتر مي سازد. (كليني، 1365ش، ج2، ص 642 ، ح1)

امام حسن مجتبي (عليه السلام) در سخني زيبا و محبت آميز مي فرمايد: فرد نزديک به شما کسي است که محبت و دوستي اش، او را به شما نزديک نموده است اگرچه از نظر نسبت خانوادگي با شما فاصله داشته باشد. فرد دور از شما کسي است که بي محبتي او را از شما دور ساخته اگرچه از نظر نسبت خانوادگي به شما نزديک باشد. (كليني، 1365ش، ج2 ، ص643)

3-4- تضمين امنيت معنوي

خداوند در قرآن كريم مي فرمايد: «وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ، وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدا» «و بدين گونه ما شما را امتي ميانه (و معتدل) قرار داديم تا بر مردم گواه باشيد و پيامبر (صلي ا عليه و آله) نيز بر شما گواه باشد». (بقره/ 143)

امت اسلامي، امتي معتدل در تمام زمينه هاست. مهمترين وجه تعادل اين امت عقيده صحيح و حفظ و رشد ارزش هاي مادي و معنوي با هم است كه نه كاملا مانند اكثر ملت ها در جهان مادي فرو مي روند كه ديگر هيچ خبري از معنويات در ميان آنان نيست و نه آنگونه كه صوفيانه در عالم به ظاهر معنوي غرق شوند كه گويي از جهان مادي بي خبرند.

تمدن نوين اسلامي در پرتو جامعه سالمي شكل مي گيرد كه تعادل در دو ساحت مادي و معنوي انسان را فراهم كند. ساحت معنوي در جامعه مطلوب اسلامي براساس آيات قرآن كريم با ايمان و عمل به دست مي آيد و حيات طيبه نام مي گيرد: «مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً» «هر كس از مرد و زن كه كاری نيك و شايسته كند در حالی كه مؤمن باشد هر آينه او را به زندگانی پاك و خوشی زنده بداريم». (نحل/ 97)

اسلام براي رسيدن به چنين حيات پاک و معنوي و پيدايش جامعه سالم، تدابير ارزشي متنوعي را تدارک ديده است. نخستين تدبير حفظ آبرو، احترام و اعتبار و شخصيت اجتماعي افراد است و اين امر هم براي خود آدمي ضروري است و نسبت به ديگران واجب مي شود هيچ فردي حق ندارد حيثيت و آبروي خود را در معرض اتهام قرار دهد. حضرت علي (عليه السلام) مي فرمايد: هر كس خود را در معرض اتهام قرار دهد

نبايد كسي را كه به او بدگمان مي شود، سرزنش نمايد. (سيد رضي، 1386ش، حكمت 159)

واضح است كه ديگران نيز حق ندارند به حيات معنوي كسي دست اندازي كنند بلكه بايد به آن احترام گذارند و اگر فردي به درست يا نادرست خود را برتر از ديگران بداند بي آنكه منوجه نقش حياتي ساير گروه هاي جامعه باشد دچار غرور كاذب شده و باعث خدشه دار شدن شخصيت و حيات معنوي ديگران مي شود به همين خاطر اسلام «حق پوشاندن عيوب» را به عنوان امري كه عامل حفظ آبروي ديگران مي شود امري ضروري مي داند.

جان كلام آنكه مسير سياست گذاري و برنامه ريزي براي شكل گيري تمدن نوين اسلامي در تمام بخش هاي جامعه بايد در جهت تحقق تعادل در همه ابعاد باشد.

4- نتيجه گيري

سير تكاملي روابط افراد در زندگي اجتماعي و ساختار تمدن هاي گوناگون به تدريج از يک حالت ابتدايي و ساده به سوي پيچيده تر شدن آثار مثبت و منفي زيادي را به بار آورده است كه در اين ميان مي توان گفت آثار مخرب آن بيشتر بوده است. در عصر حاضر بشر در عرصه ابزار و فناوري ها پيشرفت چشمگيري داشته است اما در اين فرايند انسان ها با خودشان بيگانه شده اند. اگر روند زندگي بشر بدين گونه پيش رود بسياري از معيارهاي اصيل جامعه انساني به طور كامل به فراموشي سپرده مي شود و اين امر براي آينده بشريت بسيار خطرناک است و همان گونه كه مشاهده مي شود پيشرفت فن آوري هيچ ارمغان مفيد اجتماعي به همراه نداشته است و نه تنها در اين پيشرفت ها سرافرازي اجتماعي و معنوي انسان ها حاصل نشده است بلكه آسايش و آرامش بشري با خطر جدي روبرو شده است و جا دارد كه بازگشتي به معنويات و تعادل در امور زندگي جهت شكل گيري تمدني نوين آن هم براساس باورهاي الهي صورت گيرد.

حال در بازنگري در وضع موجود جهت رسيدن به تمدن نوين اسلامي مي تواند موارد زير مدنظر قرار گيرد:

الف: در مساله رابطه انسان با هستي و طبيعت بايد توانايي انسان در بهره وري از منابع طبيعي و نعمت هاي الهي ضابطه مند و مقبول عقل و دين قرار گيرد.

ب: در مساله رابطه انسان با جامعه در جهت ساختار و شكل گيري تمدن نوين اسلامي، حركت بايد مطابق با اهداف متعالي دين اسلام باشد و همه مسلمانان سرافرازانه در به وجود آوردن تمدن نوين اسلامي آنگونه

که مطلوب خداوندي هماهنگ شوند و از آن دفاع كنند.

ج: در مورد رابطه آدمي با خود و ساير انسان ها بايد گفت كه تجديد نظر جدي در كيفيت ارتباطات اجتماعي ضروري و الزامي است و شكل گيري تمدن نوين اسلامي در گرو اجرايي شدن اصولي همچون عدل، احسان، امنيت در همه ابعاد و در بهترين شكل آنهاست.

و آخر دعوانا ان الحمد رب العالمين

منابع:

1- قرآن كريم. ترجمه: مجتبوي، سيد جلالالدين. تهران: حكمت. 1371 ش.

2- ابن فتال نيشابوري، محمد بن حسن بن علي بن احمد بن علي. روضة الواعظين. قم: رضي. بي تا.

3- احمدي، مجيد و محمد عماره. امنيت اجتماعي در اسلام. تهران: ايلاف. 1383ش.

4- بابازاده، علي اكبر. شيوه هاي درماني مفاسد اجتماعي. قم: دانش و ادب. 1381ش.

5- بخاري، ابوعبدا محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن مغيره بردزيه. صحيح بخاري. تحقيق: ديب البغاء، مصطفي. بيروت: دار ابن كثير. 1414ق.

6- پاينده، ابوالقاسم (گردآورنده). نهج الفصاحه. تهران: دنياي دانش. بي تا.

7- تميمي آمدي، عبدالواحد بن محمد. غرر الحكم و درر الكلم. قم: دفتر تبليغات اسلامي. 1366ش.

8- حر عاملي، محمد بن حسن بن علي بن محمد بن حسين. وسائل الشيعه. قم: آل البيت. 1409ق.

9- حق پرست، مقصود. عدالت اجتماعي در سيره علوي. تهران: مهرآوه عصر. 1386ش.

10- خميني، سيد روح ا. تحرير الوسيله. چاپ چهارم. قم: اسماعيليان. 1410ق.

11- سيد رضي، ابوالحسن محمد بن حسين موسوي. نهج البلاغه. ترجمه: دشتي، محمد. چاپ سوم. قم: بوستان كتاب. 1386ش.

12- شعيري، تاج الدين محمد بن محمد بن حيدر. جامع الاخبار. قم: آل البيت. 1414ق.

13- صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بابويه. من لا يحضره الفقيه. تحقيق: غفاري، علي اكبر. چاپ سوم. قم: جامعه مدرسين. 1413ق.

14- كليني، محمد بن يعقوب. اصول كافي. چاپ چهارم. قم: دارالكتب الاسلامية. 1365ش.

15- كليني، محمد بن يعقوب. فروع كافي. چاپ چهارم. قم: دارالكتب الاسلامية. 1365ش.

16- كليني، محمد بن يعقوب. روضه كافي. چاپ چهارم. قم: دارالكتب الاسلامية. 1365ش.

17- متقي هندي، علاء الدين علي بن حسام الدين. كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال. بيروت: الرسالة. 1409ق.

18- محدثي، حسن. دين و حيات اجتماعي. تهران: فرهنگ و انديشه. 1381ش.

19- محسني گرگاني، احمد. زكات در اسلام. چاپ دوم. قم: پيام مهدي. 1379ش.

20- مصباح يزدي، محمد تقي. اخلاق در قرآن. تحقيق و نگارش: اسكندري، محمد حسين. قم: موسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني (ره). 1376ش.

21- موسوي لاري، مجتبي. اسلام و سيماي تمدن غرب. چاپ نهم. قم: دفتر انتشارات اسلامي. 1385ش.

22- ناطقي، محمد تقي. پايه هاي روابط اجتماعي از ديدگاه اسلام. قم: معبود. 1381ش.

23- نوري طبرسي، ميرزا حسين. مستدرک الوسائل. قم: آل البيت. 1408ق.

24- نورمحمدي، غلامرضا. مهارت هاي زندگي اجتماعي. قم: معارف. 1390ش.

[1] استاديار دانشگاه شهيد باهنر كرمان، ir.ac.uk@rostamizadeh . 09132407995

[2] در اين مقاله به شكل توصيفي- تحليلي و به اختصار به الزامات تمدن نوين اسلامي پرداخته شده است.

[3] سوره حشر/ آيه 9 : «وَ يُؤْثِرُونَ عَلى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

«و ديگران را بر خودشان مقدم مي دارند هرچند كه خود نيز محتاج باشند و كساني كه از بخل دروني خود جلوگيري مي كنند، چنين افرادي رستگارانند»پيرامون اين صفات در منابع حديثي فريقين سفارشات بسيار زيادي از پامبر (صلي الله عليه و آله) و پيشوايان معصوم مي يابيم:

- از پيامبر خدا (صلي الله عليه و آله) پرسيده شد چه كسي محبوب ترين مردم نزد خداوند است؟ حضرت (صلي الله عليه و آله) فرمود: «سودمندترين افراد نسبت به مردم» (بخاري، 1414ق، ج1 ، ص318) و همان ذات پاک (صلي الله عليه و آله) فرمود: «با ياري رساني به برادرانتان به سوي خداوند متعال نزديكي بجوييد». (كليني، 1365ش، ج2 ، ص 164 ؛ ابن فتال نيشابوري، بي تا، ج2، ص 386)- امام صادق (عليه السلام) درباره نيكوكاري و ايثار مي فرمايد: «حقيقت توكل ايثارورزي است». (نوري طبرسي، 1408ق، ج2، ص218، ح 12794)- رسول الله (صلي الله عليه و آله) مي فرمايد: سرآمد خردمندي پس از دينداري محبت ورزي به مردم و انجام كارهاي نيک براي تمام افراد اعم از نيكو كردار و بد كردار است. (حر عاملي، 1409ق، ج16 ، ص 295 ، ح 21586)

[4] سوره آل عمران آيه 28 ؛ سوره نساء آيات 89 ، 139 ، 144 ؛ سوره مائده آيات 5 ، 57 ، 81 ؛ سوره

[5] كليني، اصول كافي ج2 ، روايات مربوط به عدم ارتباط با فاسقان ؛ حرعاملي، وسائل الشيعه، ج16 ، باب تحريم مجالسة اهل المعاصي ؛ نوري طبرسي، مستدرک الوسائل، ج8، باب تحريم مصاحبة الكذاب و الفاسق و البخيل و الاحمق و ج 12، باب تحريم مجالسة اهل المعاصي ؛ تميمي آمدي، غررالحكم و دررالكلم ، ص 431 ، باب ذم قرين السوء و باب مصاحبة الاشرار و آثارها.

[6] رجوع كنيد به كتاب «كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال» نوشته علاء الدين علي بن حسام الدين، باب خمس و زكات و كتاب «زكات در اسلام» نوشته احمد محسني گرگاني.

[7] سوره حديد آيه 20 ؛ سوره تكاثر آيه 1

[8] سوره توبه آيه 34

[9] سوره اعراف آيه 31 ، سوره اسراء آيه 27 ؛ سوره فرقان آيه 67